

فصلنامه پژوهش‌های نوین روانشناختی

سال دهم شماره ۳۷ بهار ۱۳۹۴

## نقش سیستم‌های فعال‌ساز و بازداری رفتاری در پیش‌بینی جهت‌گیری‌های هدف پیشرفت دانشجویان

بهنام جمشیدی سلوکلو<sup>۱</sup>

راضیه شیخ‌الاسلامی<sup>۲</sup>

چکیده

این پژوهش به منظور تعیین نقش سیستم‌های فعال‌ساز و بازداری رفتاری در پیش‌بینی جهت‌گیری‌های هدف پیشرفت در دانشجویان انجام گرفت. روش پژوهش از نوع توصیفی-همبستگی بود. جامعه آماری شامل کلیه دانشجویان رشته‌های علوم انسانی دانشگاه‌های پیام نور داراب و زرین دشت بود که تعداد تقریبی آن‌ها ۳۰۰۰ نفر بود. نمونه انتخابی شامل ۲۵۰ نفر (۹۵ پسر و ۱۵۵ دختر) بود که به روش خوشه‌ای تصادفی انتخاب و پرسشنامه سیستم‌های فعال‌ساز و بازداری کارور و وایت و پرسشنامه جهت‌گیری هدف چهار بعدی الیوت و مک‌گریگور را تکمیل کردند. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از تحلیل رگرسیون چندگانه انجام گرفت. نتایج حاکی از آن بود که بعد حساسیت به پاداش-تنبیه، جهت‌گیری‌های هدف تسلط‌گرایشی و اجتنابی و نیز جهت‌گیری هدف عملکرد اجتنابی را به صورت مثبت پیش‌بینی می‌کرد. بعد سائق موفقیت، جهت‌گیری عملکرد و تسلط‌گرایشی را به صورت مثبت پیش‌بینی می‌کرد. همچنین بعد جستجوی سرگرمی و هیجان، جهت‌گیری‌های عملکرد گرایشی و تسلط اجتنابی را به صورت مثبت پیش‌بینی می‌کرد. هر یک از ابعاد سیستم‌های فعال‌ساز و بازداری رفتاری، الگوی بی‌همتایی از جهت‌گیری هدف پیشرفت دانشجویان را پیش‌بینی می‌کردند که اهمیت گرایش‌های خلقی را در پیش‌بینی انواع جهت‌گیری هدف نشان می‌دهد.

**واژگان کلیدی:** سیستم فعال‌ساز رفتاری؛ سیستم بازداری؛ جهت‌گیری هدف پیشرفت

Email:soloklo@gmail.com

۱- دانشجوی دکتری روان‌شناسی تربیتی دانشگاه شیراز (نویسنده مسئول)

۲- عضو هیئت علمی (دانشیار) بخش روان‌شناسی تربیتی دانشگاه شیراز

## مقدمه

نظریه هدف پیشرفت<sup>۱</sup> یا جهت‌گیری هدف یک رویکرد اجتماعی-شناختی به انگیزش دارد (بارکوکیس، ان‌تومانیس و تگرسن-ان‌تومان<sup>۲</sup>، ۲۰۱۰). این نظریه، به آنچه که افراد برای رسیدن به آن تلاش می‌کنند، توجه کمتری داشته (اوردان و مائر<sup>۳</sup>، ۱۹۹۵؛ به نقل از مائر و زوشو<sup>۴</sup>، ۲۰۰۹)؛ بلکه در صدد تبیین این موضوع است که چرا افراد یک بازده یا رفتار را انتخاب نموده و به سمت دیگر بازده‌ها یا رفتارها نمی‌روند (سنکو و هالمن<sup>۵</sup>، ۲۰۱۳).

مطابق با این نظریه، افراد شایستگی را در موقعیت‌های پیشرفت به شیوه‌های متفاوتی تعریف می‌کنند (مورنو، گنزالز-کاتر، سیسیلیا و اسپرای<sup>۶</sup>، ۲۰۱۰). در این راستا، افراد دارای جهت‌گیری هدف تسلطی، شایستگی را در قالب عملکرد قبلی خود، بهبود عملکرد، معیارهای شخصی، تسلط بر تکلیف و اعمال تلاش، تعریف می‌کنند؛ اما افراد دارای جهت‌گیری عملکردی، شایستگی را به صورت هنجاری و در مقایسه با دیگران تعریف می‌کنند و تمرکز اصلی آن‌ها بر نشان دادن توانایی خود یا اجتناب از ناتوان به نظر رسیدن است (بارکوکیس و همکاران، ۲۰۱۰).

الیوت و مک‌گریگور<sup>۷</sup> (۲۰۰۱) با توجه به تقاطع تعریف شایستگی و ارزش<sup>۸</sup> آن (گرایش-اجتناب)، چهار جهت‌گیری هدف شناسایی کرده‌اند: اهداف تسلط‌گرایشی<sup>۹</sup>، بر اکتساب شایستگی تکلیف‌مدار یا درون‌فردی و اهداف تسلط‌اجتنابی<sup>۱۰</sup> بر اجتناب از عدم شایستگی در حوزه‌های تکلیف‌مدار یا درون‌فردی متمرکز هستند. اهداف عملکرد گرایشی<sup>۱۱</sup>، شامل تلاش برای نشان دادن شایستگی بالا و کسب قضاوت‌های مثبت دیگران و اهداف عملکرد اجتنابی<sup>۱۲</sup> شامل تلاش برای پیشگیری از قضاوت‌های منفی دیگران و ناتوان به نظر رسیدن است (الیوت، ۱۹۹۹؛ به نقل از پاولیک، واترمن و ناکلز<sup>۱۳</sup>،

- |                                  |  |
|----------------------------------|--|
| 1- achievement goal              | 2- Barkoukis, Ntoumanis & Thøgersen-Ntoumani |
| 3- Urdan & Maehr                 | 4- Zusho                                     |
| 5- Senko & Hulleman              | 6- Moreno, González-Cutre, Sicilia & Spray   |
| 7- McGregor                      | 8- valence                                   |
| 9- mastery approach              | 10- mastery avoidance                        |
| 11- performance approach         | 12- performance avoidance                    |
| 13- Paulick, Watermann & Nückles |  |

(۲۰۱۳).

هر یک از اهداف پیشرفت، پیامدهای شناختی، عاطفی و رفتاری متفاوتی دارند. اهداف تسلط‌گرایشی، با الگوهای انگیزشی انطباقی (مورنو و همکاران، ۲۰۱۰)، خودتنظیمی مؤثر، به کارگیری راهبردهای عمیق یادگیری و ارزیابی مثبت از تکالیف و فعالیت‌های یادگیری همراه‌اند (سنکو و هالمن، ۲۰۱۳)؛ اما اغلب با پیشرفت تحصیلی ارتباطی ندارند (هالمن، شرراگر، بودمن و هارکویکس<sup>۱</sup>، ۲۰۱۰). اهداف عملکرد اجتنابی، با کارآمدی پایین، اضطراب و اجتناب از کمک‌طلبی، راهبردهای خود ناتوان‌سازی و نمرات پایین همراه‌اند (اوردان، ریان، اندرمن و گین<sup>۲</sup>، ۲۰۰۲؛ به نقل از کاپلان و مائر<sup>۳</sup>، ۲۰۰۷). در رابطه با جهت‌گیری عملکرد گرایشی، یافته‌ها اغلب حاکی از پیامدهای مثبت نظیر مقاومت در تکالیف، عواطف مثبت و کسب نمرات بالا است (الیوت، ۱۹۹۹؛ هارکویکس، بارون، تائر و الیوت<sup>۴</sup>، ۲۰۰۲؛ به نقل از کاپلان و مائر، ۲۰۰۷). اما برخی مطالعات نیز حاکی از وجود رابطه بین این اهداف و پیامدهای منفی نظیر اضطراب، رفتارهای مخرب و یادداری پایین دانش است (میدگلی، کاپلان و میدلتون<sup>۵</sup>، ۲۰۰۱؛ به نقل از کاپلان و مائر، ۲۰۰۷).

در مورد پیشایندهای جهت‌گیری هدف، در مجموع پژوهش‌های نسبتاً کمی انجام شده است. پیشایندهای بررسی شده عمدتاً شامل ادراک جو انگیزشی، ادراک شایستگی و نظریه‌های تلویحی در مورد ماهیت توانایی است (مورنو و همکاران، ۲۰۱۰). هم‌چنین صفات شخصیت، گرایش‌های انگیزشی و خلق و خو نیز در برخی پژوهش‌ها مورد بررسی قرار گرفته است که از آن جمله می‌توان به نظریه حساسیت به تقویت گری<sup>۶</sup> (۱۹۷۰) اشاره نمود.

نظریه حساسیت به تقویت گری (۱۹۷۰) یکی از نظریه‌های مهم و قابل ذکر در رویکرد سیستم‌های انگیزشی به شخصیت است. این نظریه دو سیستم انگیزشی فعال‌ساز

1- Hulleman, Schrage, Bodmann &amp; Harackiewicz

3- Kaplan &amp; Maehr

5- Midgley, Kaplan &amp; Middleton

2- Urdan, Ryan, Anderman &amp; Gheen

4- Harackiewicz, Barron, Tauer &amp; Elliot

6- Gray's reinforcement sensitivity theory

و بازداری را معرفی می‌کند که مبتنی بر فعالیت سیستم عصبی بوده و در تعیین رفتار و صفات ثابت شخصیت نقش دارند (گری، ۱۹۹۰؛ به نقل از ادینگتون، مجستیک و سیلویا<sup>۱</sup>، ۲۰۱۲). سیستم فعال‌ساز رفتاری به مشوق‌ها و سیستم بازدارنده رفتاری به تنبیه حساس است (هاگوپاین و اولندیک<sup>۲</sup>، ۱۹۹۴؛ به نقل از رز و مسلر<sup>۳</sup>، ۲۰۱۳). فعال شدن سیستم بازداری، موجب وقفه در رفتار جاری و فعالیت سیستم فعال‌ساز، موجب رفتار گرایشی می‌شود (روز، بیجتبیر، کلیس و لیلینفلد<sup>۴</sup>، ۲۰۱۱). همچنین سیستم فعال‌ساز، عواطف مثبت و تکانشگری و سیستم بازدارنده، عواطف منفی و اضطراب را در پی دارند (گابل، ریس و الیوت<sup>۵</sup>، ۲۰۰۰).

کارور و وایت<sup>۶</sup> (۱۹۹۴) دریافتند که سیستم فعال‌ساز شامل سه خرده ابعاد است: حساسیت به پاداش<sup>۷</sup> که میزان تجربه عواطف مثبت در نتیجه دریافت پاداش را نشان می‌دهد، سائق<sup>۸</sup> که دنبال کردن فعالانه اهداف خوشایند را نشان می‌دهد و جستجوی سرگرمی<sup>۹</sup> که درگیری تکانشی در رفتارهای بالقوه پاداش‌دهنده را نشان می‌دهد. آن‌ها برای سیستم بازداری، ابعاد خاصی ارائه نکرده‌اند و تنها یک بعد در نظر گرفته‌اند.

هر چند نظریه حساسیت به تقویت، اغلب برای پیش‌بینی‌های بالینی و آسیب‌شناختی به‌کار گرفته شده است، اما برخی شواهد نیز حاکی از امکان کاربرد این نظریه، در حوزه تربیتی هستند. مثلاً الیوت و تراش (۲۰۰۲) بر این باورند که این سیستم‌ها را می‌توان به عنوان پیش‌آمادگی‌های خلقی و جهت‌گیری هدف را به‌عنوان ساز و کارهای شناختی که به‌وسیله آن تمایلات زیستی به رفتار واقعی ترجمه می‌شوند، مفهوم‌سازی کرد. از سویی، به‌عقیده همپل، الیوت و وود<sup>۱۰</sup> (۲۰۰۶) تمایز گرایش-اجتناب می‌تواند چارچوب مفهومی مناسبی برای برقراری ربط بین نظریه‌های حساسیت به تقویت و جهت‌گیری هدف ایجاد کند. نتایج پژوهش دی‌درو، نیجستاد و باس<sup>۱۱</sup> (۲۰۱۱) وجود رابطه بین سیستم فعال‌ساز و

1- Eddington, Majestic &amp; Silvia

3- Rose &amp; Mossler

5- Gable, Reis &amp; Elliot

7- reward responsiveness

9- fun seeking

11- De Dreu, Nijstad &amp; Baas

2- Hagopian &amp; Ollendick

4- Roose, Bijttebier, Claes &amp; Lilienfeld

6- Carver &amp; White

8- Drive

10- Heimpel, Elliot &amp; Wood

خلاقیت را تأیید کرده است. ایزدی‌خواه، جکسون و لوکستن<sup>۱</sup> (۲۰۱۰) دریافته‌اند که سیستم فعال‌ساز رفتاری از طریق جهت‌گیری تسلط بر عملکرد شغلی تأثیرگذار است. همچنین نتایج پژوهش همپل و همکاران (۲۰۰۶) حاکی از آن بود که عزت‌نفس، رابطه بین سیستم‌های فعال‌ساز و بازدارنده با اهداف اجتنابی را واسطه‌گری می‌کند. با این حال پژوهش‌های صورت گرفته دارای برخی کاستی‌ها بودند. به‌عنوان مثال پژوهش ایزدی‌خواه و همکاران (۲۰۱۰) تنها سیستم فعال‌ساز رفتاری و جهت‌گیری هدف تسلط را مورد بررسی قرار داده است. پژوهش همپل و همکاران (۲۰۰۶)، رابطه خلق و خوی اجتنابی-گرایشی را با اهداف اجتناب-گرایشی مورد بررسی قرار داده و پژوهش الیوت و تراش (۲۰۰۲)، تنها نسخه دو بعدی پرسشنامه جهت‌گیری هدف (خودحفاظتی و خودارتقای<sup>۲</sup>) را مورد بررسی قرار داده است. علاوه بر این، هیچ‌یک از پژوهش‌های ذکر شده بر روی جامعه ایرانی صورت نگرفته است. از این رو پژوهش حاضر به‌منظور بررسی نقش سیستم‌های فعال‌ساز/بازدارندگی در پیش‌بینی جهت‌گیری هدف پیشرفت انجام شد.

## روش

این پژوهش از نوع مطالعات توصیفی-همبستگی بود. جامعه آماری، شامل کلیه دانشجویان رشته‌های علوم انسانی دانشگاه پیام نور واحدهای داراب و زرین‌دشت بود که تعداد تقریبی آن‌ها ۳۰۰۰ نفر بود. طبق فرمول کوکران، نمونه مورد نیاز ۲۹۱ نفر بود که با توجه به نزدیک بودن فصل امتحانات، گردآوری اطلاعات از ۲۵۰ نفر (۹۵ پسر و ۱۵۵ دختر) میسر گردید که به روش خوشه‌ای تصادفی و با مراجعه به کلاس‌های درس، انتخاب گردیدند. گفتنی است حجم نهایی نمونه بعد از کنار گذاشتن پرسشنامه‌های مخدوش، ۲۴۳ نفر بود.

برای سنجش سیستم‌های بازدارنده/فعال‌ساز، از پرسشنامه کارور و وایت (۱۹۹۴) استفاده گردید. این پرسشنامه شامل ۲۴ گویه و ۴ خرده‌مقیاس است که ۷ گویه آن مربوط به سیستم بازدارنده (۲، ۸، ۱۳، ۱۶، ۱۹، ۲۲ و ۲۴)، ۴ گویه مربوط به بعد سائق

1- Izadikhah, Jackson & Loxton

2- self-enhancement & self-protection

موفقیت (۳، ۹، ۱۲ و ۲۱)، ۴ گویه مربوط به بعد جستجوی سرگرمی (۵، ۱۰، ۱۵ و ۲۰)، ۵ گویه مربوط به بعد حساسیت به پاداش (۴، ۷، ۱۴، ۱۸ و ۲۳) و ۴ گویه نیز خنثی محسوب می‌شود (۱، ۶، ۱۱ و ۱۷). کارور و وایت (۱۹۹۴) ثبات درونی برای مقیاس سیستم بازداری و زیرمقیاس‌های سائق، جستجوی سرگرمی و حساسیت به پاداش را به ترتیب ۰/۷۴، ۰/۷۳، ۰/۷۶ و ۰/۶۶ گزارش کرده‌اند. عطری‌فرد (۲۰۰۶)؛ به نقل از عبدی، بخشی‌پور رودسری و محمودعلیلو، (۱۳۹۰) ثبات درونی مقیاس سیستم بازدارنده را ۰/۴۷ و برای مقیاس فعال‌ساز و زیرمقیاس‌های آن به ترتیب ۰/۴۷، ۰/۷۳، ۰/۶ و ۰/۱۸ گزارش کرده است. عبدالهی مجارشین (۱۳۸۵)؛ به نقل از نظری، لطفی و حسینی‌نسب، (۱۳۸۹) پایایی به روش بازآزمایی را برای بعد بازدارنده ۰/۷۸ و برای بعد فعال‌ساز ۰/۸۱ گزارش کرده‌اند.

در پژوهش حاضر ساختار عاملی پرسشنامه مورد بررسی مجدد قرار گرفت. تحلیل عاملی به روش مؤلفه‌های اصلی و چرخش واریماکس گویای آن بود که امکان استخراج الگوی چهار عاملی مورد نظر کارور و وایت (۱۹۹۴) وجود ندارد. دلیل این مسئله، همبستگی بین گویه‌های بعد بازداری و بعد حساسیت به پاداش بود. در نهایت مؤلفان به این نتیجه رسیدند که یک راهکار سه عاملی، بهترین شیوه توصیف گویه‌ها است. بر اساس محتوای گویه‌های مربوط به هر عامل، این سه عامل به ترتیب حساسیت به پاداش-تنبیه (مثال: وقتی چیزی را که می‌خواهم، به دست می‌آورم؛ احساس هیجان‌زدگی و نیرومندی می‌کنم؛ وقتی در کار مهمی ضعیف عمل می‌کنم، احساس نگرانی می‌کنم)، سائق موفقیت (مثال: برای رسیدن به اهدافم به سختی تلاش می‌کنم) و جستجوی سرگرمی و هیجان (مثال: اگر فکر کنم انجام کار جدیدی سرگرم‌کننده است، اغلب آن را انجام می‌دهم) نامیده شد. این سه عامل در مجموع ۴۱/۷۷ درصد از واریانس کل را تبیین می‌کردند. گفتنی است مقدار ضریب KMO برای کفایت نمونه‌گیری ۰/۷۲ و آزمون کرویت بارتلت در سطح  $P < 0/01$  معنی‌دار بود. گویه‌های ۲، ۲۲ و ۸ به دلیل بار عاملی ناکافی حذف شدند. علاوه بر این نمره‌گذاری گویه شماره ۱۵ (من اغلب با عجله و

بدون نقشه قبلی عمل می‌کنم نیز معکوس گردید. زیرا با سائق موفقیت همبستگی منفی ولی قوی داشت. جدول ۱ نتایج تحلیل عاملی پرسشنامه کارور و وایت را نشان می‌دهد.

جدول (۱) نتایج تحلیل عاملی پرسشنامه کارور و وایت

۱- حساسیت به پاداش و تنبیه		۲- سائق موفقیت		۳- جستجوی سرگرمی و هیجان	
گویه	بار عاملی	گویه	بار عاملی	گویه	بار عاملی
۴	۰/۴۳	۳	۰/۷۱	۵	۰/۴۹
۷	۰/۶۰	۹	۰/۷۵	۱۰	۰/۵۶
۱۳	۰/۶۸	۱۲	۰/۵۳	۲۰	۰/۶۳
۱۴	۰/۵۳	۱۵ معکوس	۰/۵۸	۲۱	۰/۶۲
۱۶	۰/۵۹			۲۳	۰/۴۵
۱۸	۰/۶۳				
۱۹	۰/۴۹				
۲۴	۰/۴۳				
ارزش ویژه	۲/۷۲	۲/۳۳		۲/۰۶	
درصد کل واریانس	۱۵/۹۸	۱۳/۷۱		۱۲/۱	

پس از انجام تحلیل عاملی، مقدار ضریب آلفای کرونباخ برای بعد حساسیت به پاداش-تنبیه برابر با ۰/۷۱، سائق موفقیت، ۰/۶۱ و برای بعد جستجوی سرگرمی و هیجان ۰/۴۹ به دست آمد.

برای سنجش جهت‌گیری‌های هدف، از پرسشنامه الیوت و مک‌گریگور (۲۰۰۱) استفاده شد. این پرسشنامه دارای ۱۲ گویه (۳ گویه برای سنجش هر هدف) است. الیوت و مک‌گریگور (۲۰۰۱) با بررسی ساختار عاملی پرسشنامه به روش مؤلفه‌های اصلی و چرخش واریماکس، ۴ عامل به شرح ذیل استخراج نموده‌اند: هدف تسلط‌گرایی، هدف تسلط اجتنابی، هدف عملکرد گرایشی و هدف عملکرد اجتنابی. این چهار عامل در مجموع ۸۱/۵ درصد از واریانس کل را تبیین می‌کنند (به نقل از هاشمی و خیر، ۱۳۸۷). در ایران، هاشمی و خیر (۱۳۸۷) روایی پرسشنامه را با استفاده از روش تحلیل عاملی و پایایی آن را با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ مورد بررسی قرار داده‌اند. نتایج تحلیل

عاملی حاکی از تأیید ۴ عامل ذکر شده بود. هم‌چنین ضریب آلفا برای هدف عملکرد گرایشی، ۰/۸۵، عملکرد اجتنابی، ۰/۵۴، تسلط اجتنابی، ۰/۷۶ و تسلط گرایشی، ۰/۷۱ به دست آمد. در پژوهش حاضر ضرایب آلفا برای ابعاد عملکرد گرایشی، ۰/۸۲، تسلط اجتنابی، ۰/۸۱، تسلط گرایشی، ۰/۶۶ و عملکرد اجتنابی، ۰/۴۵ به دست آمد.

به‌منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها، علاوه بر توصیف متغیرها در قالب میانگین و انحراف استاندارد و ترسیم ماتریس همبستگی، از رگرسیون چندگانه به‌روش همزمان برای بررسی فرضیه‌های پژوهش استفاده گردید.

### یافته‌ها

جدول ۲ میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای پژوهش را به تفکیک جنسیت نشان می‌دهد. گفتنی است در این جدول، نمره متغیرهای مختلف، بر تعداد سؤالات آن‌ها تقسیم گردیده تا امکان مقایسه ابعاد با یکدیگر فراهم شود.

جدول (۲) میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای پژوهش به تفکیک جنسیت

کل	پسر	دختر	
M (SD)	M (SD)	M (SD)	
۲۵/۸۲ (۵/۸۷)	۲۵/۸۷ (۵/۸۹)	۲۵/۷۹ (۵/۸۸)	سن
۳/۲۱ (۰/۴۲)	۳/۱۰ (۰/۴۵)	۳/۲۸ (۰/۳۸)	حساسیت به پاداش-تنبیه
۳/۱۹ (۰/۵۰)	۳/۱۶ (۰/۵۵)	۳/۲۱ (۰/۴۶)	سائق موفقیت
۲/۷۶ (۰/۴۷)	۲/۷۶ (۰/۴۹)	۲/۷۷ (۰/۴۵)	جستجوی سرگرمی-هیجان
۳/۸۶ (۰/۹۰)	۳/۷۳ (۰/۹۵)	۳/۹۴ (۰/۸۶)	عملکرد گرایشی
۳/۶۸ (۰/۸۱)	۳/۶۹ (۰/۷۶)	۳/۶۸ (۰/۸۴)	عملکرد اجتنابی
۴/۲۰ (۰/۶۸)	۴/۱۳ (۰/۷۷)	۴/۲۴ (۰/۶۲)	تسلط گرایشی
۳/۲۵ (۰/۹۵)	۳/۲۵ (۰/۹۸)	۰/۲۵ (۰/۹۳)	تسلط اجتنابی

مطابق با نتایج موجود در جدول، میانگین سن پاسخگویان نزدیک به ۲۶ سال بوده است. پاسخگویان در ابعاد حساسیت به پاداش-تنبیه و سائق موفقیت نمرات بالاتری نسبت به جستجوی سرگرمی و هیجان کسب کرده‌اند. هم‌چنین نمره دانشجویان دختر



در بعد حساسیت به پاداش-تنبیه، کمی بالاتر از نمرات دانشجویان پسر است. از نظر انواع جهت‌گیری هدف نیز پاسخگویان در ابعاد تسلط گرایشی، عملکرد گرایشی، عملکرد اجتنابی و تسلط اجتنابی، به‌ترتیب بیشترین نمرات را کسب کرده‌اند. جدول ۳ ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد.

جدول (۳) ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش

متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
۱- حساسیت به پاداش-تنبیه							
۲- سائق موفقیت	**۰/۲۳						
۳- جستجوی سرگرمی و هیجان	**۰/۲۳	-۰/۰۶					
۴- عملکرد گرایشی	**۰/۲۳	**۰/۱۹	*۰/۱۶				
۵- تسلط اجتنابی	**۰/۲۵	۰/۰۱	**۰/۲۱	**۰/۲۵			
۶- تسلط گرایشی	**۰/۳۴	**۰/۳۳	-۰/۰۵	**۰/۱۷	**۰/۲۰		
۷- عملکرد اجتنابی	**۰/۲۳	۰/۰۷	۰/۱۱	*۰/۱۷	**۰/۲۴	**۰/۲۷	۱

\*\* $P < 0.01$  \*  $P < 0.05$ 

همان‌گونه که در جدول فوق مشاهده می‌گردد، سائق موفقیت با تسلط گرایشی، همبستگی مثبت و قوی دارد. همچنین بعد جستجوی سرگرمی و هیجان با تسلط اجتنابی، رابطه مثبت و معنی‌دار دارد.

در ادامه به‌منظور پیش‌بینی انواع جهت‌گیری هدف، از روی ابعاد سیستم‌های بازدارنده/فعال‌ساز، از رگرسیون چندگانه به‌روش همزمان استفاده شد. جدول ۴ نتایج رگرسیون همزمان برای پیش‌بینی بعد عملکرد گرایشی را نشان می‌دهد.

جدول (۴) نتایج رگرسیون پیش‌بینی جهت‌گیری عملکرد گرایشی

متغیرهای پیش‌بین	B	B	R	R <sup>2</sup>	T
حساسیت به پاداش-تنبیه	۰/۱۰	۰/۱۳			۱/۸۵
سائق موفقیت	۰/۲۱	۰/۱۰	۰/۲۷	۰/۰۸	* ۲/۳۶
جستجوی سرگرمی و هیجان	۰/۱۶	۰/۱۴			* ۱/۹۹

\*\* $P < 0.01$  \*  $P < 0.05$

مطابق با نتایج موجود در جدول، از بین متغیرهای پیش‌بین، تنها ابعاد سائق موفقیت و جستجوی سرگرمی و هیجان پیش‌بین‌های مثبت و معنی‌داری برای جهت‌گیری عملکرد گرایشی بودند و بر روی هم ۸ درصد از واریانس متغیر ملاک را تبیین می‌کردند. جدول ۵ نتایج رگرسیون همزمان برای پیش‌بینی بعد عملکرد اجتنابی را نشان می‌دهد. مطابق با نتایج موجود در جدول، از بین متغیرهای پیش‌بین، تنها بعد حساسیت به پاداش-تنبیه، پیش‌بین مثبت و معنی‌داری برای جهت‌گیری عملکرد اجتنابی بود و ۶ درصد از واریانس متغیر ملاک را تبیین می‌کرد.

جدول (۵) نتایج رگرسیون پیش‌بینی جهت‌گیری عملکرد اجتنابی

متغیرهای پیش‌بین	B	β	R	R <sup>2</sup>	T
حساسیت به پاداش-تنبیه	۰/۱۰	۰/۲۱			** ۲/۹۵
سائق موفقیت	۰/۰۳	۰/۰۳	۰/۲۴	۰/۰۶	۰/۴۸
جستجوی سرگرمی و هیجان	۰/۰۴	۰/۰۶			۰/۸۹

\*\*P&lt;۰/۰۱ \* P&lt;۰/۰۵

جدول ۶ نتایج رگرسیون همزمان برای پیش‌بینی بعد تسلط گرایشی را نشان می‌دهد. مطابق با نتایج موجود در جدول، از بین متغیرهای پیش‌بین، ابعاد حساسیت به پاداش-تنبیه و سائق موفقیت، پیش‌بین‌های مثبت و معنی‌داری برای جهت‌گیری هدف تسلط گرایشی بودند. جستجوی سرگرمی و هیجان پیش‌بین منفی اما غیرمعنی‌داری برای هدف تسلط گرایشی بود. متغیرهای پیش‌بین در مجموع ۲۰ درصد از واریانس متغیر ملاک را تبیین می‌کردند.

جدول (۶) نتایج رگرسیون پیش‌بینی جهت‌گیری تسلط گرایشی

متغیرهای پیش‌بین	B	β	R	R <sup>2</sup>	T
حساسیت به پاداش-تنبیه	۰/۱۳	۰/۳۱			** ۴/۸۰
سائق موفقیت	۰/۱۸	۰/۲۶	۰/۴۵	۰/۲	** ۴/۱۶
جستجوی سرگرمی و هیجان	-۰/۰۷	-۰/۱۲			-۱/۸۸

\*\*P&lt;۰/۰۱ \* P&lt;۰/۰۵

جدول ۷ نتایج رگرسیون همزمان برای پیش‌بینی بعد تسلط اجتنابی را نشان می‌دهد. مطابق با نتایج موجود در جدول، از بین متغیرهای پیش‌بین، ابعاد حساسیت به پاداش-تنبیه و جستجوی سرگرمی-هیجان، پیش‌بین‌های مثبت و معنی‌داری برای جهت‌گیری تسلط اجتنابی بودند. سائق موفقیت پیش‌بین منفی ولی غیرمعنی‌داری برای تسلط اجتنابی بود. متغیرهای پیش‌بین در مجموع ۸ درصد از واریانس متغیر ملاک را تبیین می‌کردند.

جدول (۷) نتایج رگرسیون پیش‌بینی جهت‌گیری تسلط اجتنابی

متغیرهای پیش‌بین	B	$\beta$	R	R <sup>2</sup>	T
حساسیت به پاداش-تنبیه	۰/۱۷	۰/۲۰			** ۲/۹۲
سائق موفقیت	-۰/۰۵	-۰/۰۳	۰/۲۸	۰/۸۰	-۰/۵۰
جستجوی سرگرمی و هیجان	۰/۱۹	۰/۱۶			* ۲/۳۳

\*\*P&lt;۰/۰۱ \* P&lt;۰/۰۵

### بحث و نتیجه‌گیری

بررسی ساختار عاملی پرسشنامه، حاکی از آن بود که یک راهکار سه عاملی، بهترین شیوه‌ی مواجهه با گویه‌های پرسشنامه است. این سه عامل به ترتیب حساسیت به پاداش-تنبیه، سائق موفقیت و جستجوی سرگرمی و هیجان نامگذاری شدند. گویه‌هایی که برای سنجش بعد بازدارنده در نظر گرفته شده بودند، با گویه‌های بعد حساسیت به پاداش بر روی یک عامل بار شدند. حتی بررسی یک راهکار دو عاملی، به‌گونه‌ای که تنها به ابعاد بازدارنده و فعال‌ساز منجر شود، نیز نتوانست گویه‌های مربوطه را از هم تفکیک کند. با این حال ابعاد سائق و جستجوی سرگرمی، تقریباً به شکل پیش‌بینی شده در پرسشنامه، شناسایی شدند. بنابراین به‌نظر می‌رسد بعد بازدارنده که در حقیقت حساسیت به تنبیه و محرک‌های ناخوشایند را اندازه‌گیری می‌کند، از بعد حساسیت به پاداش، قابل تمایز نیست. اهمیت این موضوع به این دلیل است که در تناقض با دیدگاه گری (۱۹۸۲) که دو سیستم فعال‌ساز و بازدارنده را مستقل از یکدیگر می‌داند، قرار

می‌گیرد (به نقل از وروورت، والترز، هوگندرون، هان، بوئر و پرینز<sup>۱</sup>، ۲۰۱۰). تورویبا، آویلا، مولتو و کاسراس<sup>۲</sup> (۲۰۰۱) نیز در بررسی مقیاس حساسیت به پاداش و تنبیه دریافتند که حساسیت به تنبیه و پاداش مستقل از هم هستند. با این حال کارور و وایت (۱۹۹۴) دریافتند که نمرات بعد بازدارنده، بر خلاف انتظار با وابستگی به پاداش<sup>۳</sup>، رابطه مثبت دارند (به نقل از جرم، کریستنسن، هندرسون، جاکومب، کورتن و راجرز<sup>۴</sup>، ۱۹۹۹). از این رو احتمال می‌رود گویه‌های بعد حساسیت به پاداش، تحت تأثیر ویژگی‌های پاسخگویان، به‌عنوان وابستگی به پاداش ادراک شده باشند.

از طرفی می‌توان این احتمال را پیش کشید که در جوامع غربی، تمایز یافتگی عاطفی، بیشتر بوده و ابعاد حساسیت به پاداش و تنبیه مستقل از همدیگر هستند. در حالیکه در جوامع شرقی، این دو عامل بر روی هم نشانگر تهییج‌پذیری فرد به هر نوع محرک مثبت و منفی بوده و منعکس‌کننده حساسیت عاطفی وی هستند. در همین راستا، لِف<sup>۵</sup> (۱۹۷۳) دریافت که در فرهنگ‌های فردگرا، تمایز یافتگی عاطفی بیشتری در مقایسه با فرهنگ‌های جمع‌گرا وجود دارد. سو<sup>۶</sup> (۲۰۰۲) نیز دریافت که در فرهنگ آمریکایی (فردگرا) همسانی هویت بیشتری در مقایسه با جوامع آسیای شرقی (جمع‌گرا) وجود دارد. در جوامع جمع‌گرا، نه تنها ناهمسانی هویت بهتر تحمل می‌شود، بلکه آسیب‌های کمتری از نظر سلامت برای فرد دارد. در ایران محمدی، جوکار و حسین‌چاری (۱۳۹۳) به بررسی ساختار عاملی مقیاس گرایش به شرم و گناه (کوهن، وودلف، پنتر و اینسکو<sup>۷</sup>، ۲۰۱۱) به نقل از محمدی و همکاران، (۱۳۹۳) پرداخته‌اند. یافته‌ها حاکی از آن بود که گویه‌های مربوط به عامل خودارزیابی منفی که یکی از ابعاد احساس شرم است، ذیل ابعاد احساس گناه بار شده‌اند که این همپوشانی هیجان‌ات شرم و گناه، به تفاوت‌های فرهنگی نسبت داده شده است.

1- Vervoort, Wolters, Hogendoorn, Haan, Boer & Prins  
3- reward dependence  
5- Leff  
7- Cohen, Wolf, Panter & Insko

2- Torrubia, Avila, Moltó, & Caseras  
4- Jorm, Christensen, Henderson, Jacomb, Korten & Rodgers  
6- Suh

هر چند تلاش برای یافتن شواهد مستقیم‌تر نتیجه‌ای در برداشت، اما بر اساس شواهد موجود، به نظر می‌رسد، فرهنگ جامعه از طریق تأثیرگذاری بر خود و تصور از خود، می‌تواند کارکرد تنظیمی آن را تحت تأثیر قرار دهد. هیمل و همکاران (۲۰۰۶) با بررسی مفهوم‌سازی‌های سنتی و معاصر از خود مطرح کرده‌اند که خود دارای کارکرد ارزیابانه و اجرایی است. کارکرد ارزیابانه خود، عزت‌نفس را رقم می‌زند و کارکرد اجرایی آن تنظیم رفتار هدف‌مدار است که می‌تواند به دو دسته کلی تنظیم اهداف گرایشی و اجتنابی تقسیم شود.

در جوامع فردگرا، خود تعیین‌کننده اصلی رفتار است. بنابراین کاملاً منطقی است که نیازمند سازمان و ثبات بالا باشد. اما در جوامع جمع‌گرا، حس بنیادین خود، از طریق ارتباط با دیگران مهم محقق می‌شود. از آنجا که هر یک از روابط تعریف‌کننده خود، مجموعه بی‌همتایی از رفتارها و انتظارات را می‌طلبند، تجربه خود، دائماً به افکار و احساسات دیگران ارجاع داده می‌شود (سو، ۲۰۰۲). به عقیده مارکوس، مولالی و کیتایاما (۱۹۹۷)، نیاز مداوم به همسانی و ثبات، یکی از ویژگی‌های کلیدی خود در فرهنگ‌های اروپایی آمریکایی است. اما در فرهنگ‌های آسیای شرقی، این باور که رفتار باید با افکار درونی همسان باشد، کمتر برجسته است (به نقل از سو، ۲۰۰۲).

تحمل بالاتر برای عدم همسانی، در دیگر حوزه‌های روان‌شناسی نیز به تأیید رسیده است. به‌عنوان مثال ساکنان ناهماهنگی شناختی قرار می‌گیرند (هین و لیمن<sup>۲</sup>، ۱۹۹۷ به نقل از سو، ۲۰۰۲). کمتر باور دارند که رفتار باید با نگرش‌های خصوصی همسان باشد (کاشیما، سیگال، تاناکا و کاشیما<sup>۳</sup>، ۱۹۹۲ به نقل از سو، ۲۰۰۲) و کمتر منقد ناهمخوانی نشان داده شده بین موقعیت‌های خصوصی و عمومی در مقایسه با ساکنان آمریکای شمالی هستند (فو، لی، کامرون و زو<sup>۴</sup>، ۲۰۰۱ به نقل از سو، ۲۰۰۲). بنابراین تمایز یافتگی هیجانی پایین‌تر، در مقایسه با نمونه غربی که مرجع تهیه و تدوین پرسشنامه قرار گرفته

1- Markus, Mullally & Kitayama  
3- Kashima, Siegal, Tanaka & Kashima

2- Heine & Lehman  
4- Fu, Lee, Cameron & Xu

است، می‌تواند یکی دیگر از دلایل احتمالی همبستگی بین حساسیت به پاداش و تنبیه باشد.

یافته‌های پژوهش، حاکی از وجود ارتباط بین سیستم‌های فعال‌ساز و بازداری رفتاری و انواع جهت‌گیری هدف بود. به عقیده الیوت و تراش (۲۰۰۲) تمایز بین انگیزه‌های گرایش و اجتناب، به لحاظ مفهومی از چنان اهمیتی برخوردار است که می‌تواند برای سازماندهی و یکپارچه‌سازی رویکردهای به ظاهر مختلف شخصیت به کار رود. هرچند رفتار حیوانات رده پایین، به طور مستقیم و انعطاف‌ناپذیر به وسیله ساز و کارهای زیستی اداره می‌شود، کارکرد آدمی انعطاف‌پذیرتر است و در آن اشکال مختلف خودتنظیمی می‌تواند رفتار آشکار را ورای گرایش‌های آنی زیستی، تعیین کنند (برنستون و کاساپو<sup>۱</sup>، ۲۰۰۰؛ لانگ<sup>۲</sup>، ۱۹۹۵ به نقل از الیوت و تراش، ۲۰۰۲). یکی از اشکال چنین خودتنظیمی‌هایی می‌تواند انتخاب و دنبال کردن اهداف باشد که به عنوان کانالی جهت تأثیرگذاری خلق و خواهی‌های گرایشی و اجتنابی عمل می‌کنند. به عبارت دیگر خلق و خو، به عنوان انرژی بخش یا محرک در نظر گرفته می‌شود؛ در حالی که اهداف به عنوان اشکال خاص شناختی از تنظیم در نظر گرفته می‌شوند که به این گرایش‌های عمومی، جهت و تمرکز می‌بخشند (الیوت و تراش، ۲۰۰۲).

بعد حساسیت به پاداش-تنبیه با دو بعد اجتنابی (عملکرد و تسلط) و یک بعد گرایشی (تسلط) رابطه مثبت و معنی‌داری داشت؛ ولی با عملکرد گرایشی رابطه معنی‌دار نداشت. بعد بازداری در پرسشنامه کارور و وایت (۱۹۹۴) ملاحظات نسبت به احتمال وقوع رویدادهای ناخوشایند و حساسیت نسبت به این رویدادها را منعکس می‌کند. به عقیده کارور و وایت (۱۹۹۴) افرادی که مستعد اضطراب هستند، محیط خود را به گونه‌ای نظم می‌دهند که از موقعیت‌های اضطراب‌زا بپرهیزند. کارور و وایت (۱۹۹۴) دریافتند که نمرات بعد بازداری بیشترین همبستگی را با اضطراب صفت‌گونه، تهییج‌پذیری<sup>۳</sup> منفی، خلق و خوی منفی، اجتناب از آسیب و به طور تعجب‌آمیزی وابستگی به پاداش دارد (به نقل از جرم و همکاران، ۱۹۹۹).

1- Berntson & Cacioppo  
3- emotionality

2- Lang

بنابراین وجود رابطه بین بعد حساسیت به پاداش-تنبیه و ابعاد اجتنابی جهت‌گیری هدف، می‌تواند ناشی از تمایل به اجتناب از آسیب و موقعیت‌های اضطراب‌زا باشد. از طرفی همان‌گونه که در بخش مقدمه مطرح گردید، افراد دارای جهت‌گیری هدف تسلطی، شایستگی را در قالب عملکرد قبلی خود، بهبود عملکرد، معیارهای شخصی، تسلط بر تکلیف و اعمال تلاش تعریف می‌کنند (بارکوکیس و همکاران، ۲۰۱۰). این‌گونه اهداف، کمتر محتمل است که فرد را در رقابتهای اجتماعی درگیر کرده و در معرض قضاوت‌های اجتماعی قرار دهد. متعاقباً انتظار می‌رود اضطراب و ناکامی کمتری در پی داشته باشند. از این رو افراد دارای حساسیت بالا به پاداش-تنبیه در دنبال کردن این‌گونه اهداف مشکلی نخواهند داشت. اما افراد دارای جهت‌گیری عملکردی، شایستگی را به صورت هنجاری و در مقایسه با دیگران تعریف می‌کنند و تمرکز اصلی آن‌ها بر نشان دادن توانایی خود یا اجتناب از ناتوان به‌نظر رسیدن است (بارکوکیس و همکاران، ۲۰۱۰). از این رو دنبال کردن این‌گونه اهداف، فرد را در معرض رقابت و اضطراب و آسیب احتمالی ناشی از آن قرار می‌دهد و این یافته که افراد دارای حساسیت بالا به پاداش-تنبیه، اهداف عملکرد گرایشی را دنبال نمی‌کنند، منطقی به‌نظر می‌رسد. نتایج این بخش از پژوهش را می‌توان به‌طور نسبی با پژوهش‌های الیوت و تراش (۲۰۰۲) و همپل و همکاران (۲۰۰۶) همسو دانست.

بعد سائق موفقیت، با عملکرد گرایشی و تسلط گرایشی، رابطه مثبت داشت. هم‌چنین بعد جستجوی سرگرمی و هیجان، با عملکرد گرایشی و تسلط اجتنابی، رابطه مثبت داشت. تعدادی از مطالعات نشان داده‌اند که حساسیت به پاداش، جستجوی سرگرمی و سائق موفقیت، منعکس‌کننده سازه‌های مجزا اما مرتبط هستند (هوبک، ویلکینسون و کولوگن<sup>۱</sup>، ۱۹۹۸؛ لئون، پروگینی، باگوزی، پیرو و منتی<sup>۲</sup>، ۲۰۰۱؛ راس، میلیس، بونبرایت و بایلی<sup>۳</sup>، ۲۰۰۲ به نقل از اسمیلی، جکسون و داگلیش<sup>۴</sup>، ۲۰۰۶). این حقیقت که حساسیت به پاداش، سائق موفقیت و جستجوی سرگرمی به‌طور مکرر از نظر روابط با ملاک‌های

1- Heubeck, Wilkinson & Cologon  
3- Ross, Millis, Bonebright & Bailley

2- Leone, Perugini, Bagozzi, Piero & Mannetti  
4- Smillie, Jackson & Dalgleish

رفتاری و روان‌سنجی متفاوت عمل می‌کنند، نشان می‌دهد که تمایز بین آن‌ها با اهمیت و شایسته توجه است (اسمیلی و همکاران، ۲۰۰۶).

شواهد نشان می‌دهند که حساسیت به پاداش و سائق موفقیت، در مقایسه با جستجوی سرگرمی، شاخص‌های خالص‌تری از مفاهیم مرتبط با سیستم فعال‌ساز هستند (اسمیلی و همکاران، ۲۰۰۶). هم‌چنین معلوم گردیده است که سائق موفقیت و حساسیت به پاداش، با برون‌گرایی بیشترین ارتباط را دارند؛ در حالی که جستجوی سرگرمی، رابطه قوی با روان‌پریشی و تکانشگری داشت (نیازف، اسلوبودسکایا و ویلسون<sup>۱</sup>، ۲۰۰۴). یافته‌های پژوهش حاضر که نشان می‌دهد، سائق موفقیت تنها ابعاد گرایشی (عملکرد و تسلط) جهت‌گیری هدف را پیش‌بینی می‌کنند، با شواهد پیش گفته مبنی بر این که بعد سائق موفقیت، شاخص خالص‌تری از سیستم فعال است، همسویی قابل قبولی دارند. از طرفی بعد جستجوی سرگرمی با پیش‌بینی عملکرد گرایشی و تسلط اجتنابی، به‌خوبی ماهیت تکانشی خود را آشکار می‌سازد.

کور<sup>۲</sup> (۲۰۰۸) و هییم، فرگوسن و لاورنس<sup>۳</sup> (۲۰۰۸) نیز مطرح کرده‌اند، جستجوی سرگرمی و هیجان، ناظر به پیامدهای کوتاه‌مدت و پاداش‌های فوری است (به نقل از ویگت، دیلارد، برادوک، اندرسون، ساپری و استفنس<sup>۴</sup>، ۲۰۰۹) در حالی که سائق موفقیت کور<sup>۱</sup> (۲۰۰۸) و هییم، فرگوسن و لاورنس (۲۰۰۸) نیز مطرح کرده‌اند، جستجوی سرگرمی و هیجان، ناظر به پیامدهای کوتاه‌مدت و پاداش‌های فوری است (به نقل از ویگت، دیلارد، برادوک، اندرسون، ساپری و استفنس، ۲۰۰۹) در حالی که سائق موفقیت به پیامدهای بلندمدت نظر دارد. بنابراین به‌نظر می‌رسد افراد دارای سائق موفقیت بالا، به دلیل خلق و خوی گرایشی خود، با هر دو هدف عملکرد و تسلط، به صورت گرایشی مواجه می‌شوند؛ از طرف دیگر افراد دارای جستجوی هیجان و سرگرمی بالا، به‌دنبال کسب هیجان و مشوق‌های کوتاه مدت بوده و اهداف عملکرد گرایشی را دنبال می‌کنند. از آنجا که دستیابی به اهداف تسلط، مستلزم فعالیت منظم و هدفمند است و با جستجوی

1- Knyazev, Slobodskaya & Wilson  
3- Heym, Ferguson & Lawrence

2- Corr  
4- Voigt, Dillard, Braddock, Anderson, Sopory & Stephenson



سرگرمی و هیجان، سازگاری ندارد، این گروه در رابطه با اهداف تسلط، عمدتاً رویکرد اجتنابی را در پیش می‌گیرند. یافته‌های این بخش از پژوهش، با پژوهش‌های الیوت و تراش (۲۰۰۲)، همپیل و همکاران (۲۰۰۶)، ایزدی‌خواه و همکاران (۲۰۱۰) و دی‌درو و همکاران (۲۰۱۱) همسو است.

در مجموع، هر یک از ابعاد سیستم‌های فعال‌ساز و بازدارنده رفتاری، الگوی بی‌همتایی از جهت‌گیری هدف پیشرفت دانشجویان را پیش‌بینی می‌کردند که لزوم توجه به گرایش‌های خلقی را در پیش‌بینی انواع جهت‌گیری هدف نشان می‌دهد. از طرف دیگر این پژوهش، امکان کاربرد سیستم‌های بازدارنده/فعال‌ساز را در پژوهش‌های غیربالیینی یادآور می‌شود. بررسی تعدیل‌کننده‌ها و واسطه‌های احتمالی (نظیر خود کارآمدی، عزت‌نفس، جو رقابتی، اضطراب و مهارت‌های تنظیم هیجانی) در رابطه بین سیستم‌های فعال‌ساز/بازدارنده و انواع جهت‌گیری هدف، موضوع پژوهشی مناسبی برای علاقمندان خواهد بود.

با توجه به این که اغلب پژوهش‌های صورت گرفته در مورد نظریه حساسیت به تقویت، بر روی گروه‌های بالینی انجام شده بود و پژوهش‌های بسیار کمی در حوزه تربیتی انجام شده بود، یکی از محدودیت‌های عمده این پژوهش، فقدان پژوهش‌ها و شواهد کافی برای بحث و تفسیر مستدل یافته‌ها بود. حجم نسبتاً کم نمونه و محدود بودن پژوهش به جامعه دانشجویی، یکی دیگر از محدودیت‌های این پژوهش بود که ممکن است تعمیم‌پذیری یافته‌های پژوهش را تحت تأثیر قرار دهد. انجام این پژوهش با نمونه‌ی بزرگ‌تر و به لحاظ سنی متنوع‌تر نیز می‌تواند مورد توجه پژوهش‌های آتی قرار گیرد.

تاریخ دریافت نسخه اولیه مقاله: ۱۳۹۳/۰۲/۱۸

تاریخ دریافت نسخه نهایی مقاله: ۱۳۹۳/۰۷/۰۵

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۳/۱۱/۲۱

## منابع

- عبدی، رضا؛ بخشی‌پور رودسری، عباس و محمودعلیلو، مجید (۱۳۹۰). میزان حساسیت سامانه‌های گرایش و بازداری رفتاری در افراد سوء مصرف‌کننده مواد، سیگاری و سالم. *مجله روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران*، ۱۷(۳)، ۲۴۱-۲۴۷.
- محمدی، زهره؛ جوکار، بهرام و حسین‌چاری، مسعود (۱۳۹۳). پیش‌بینی رفتارهای خودشکن توسط جهت‌گیری هدف: نقش واسطه‌گری احساسات شرم و گناه. *فصلنامه علمی پژوهشی روان‌شناسی تحولی*، سال یازدهم، شماره ۴۱.
- نظری، محمدعلی؛ لطفی، سارا و حسینی‌نسب، داود (۱۳۸۹). تأثیر القای خلق بر سوگیری حافظه آشکار با توجه به سیستم‌های مغزی-رفتاری: تحلیل مبتنی بر تئوری تشخیص علامت. *فصلنامه علمی - پژوهشی روان‌شناسی دانشگاه تبریز*، ۲۰ (۵)، ۱۸۷-۲۱۱.
- هاشمی، زهرا و خیر، محمد (۱۳۸۷). بررسی رابطه ابعاد فراشناخت عاطفی و جهت‌گیری هدف. *فصلنامه روان‌شناسی دانشگاه تبریز*، ۱۱ (۳)، ۱۲۷-۱۵۰.
- Barkoukis, V., Ntoumanis, N., & Thøgersen-Ntoumani, C. (2010). Developmental changes in achievement motivation and affect in physical education: Growth trajectories and demographic differences. *Psychology of Sport and Exercise*, 11, 83-90.
- Carver, C.S. & White, T.L. (1994). Behavioral inhibition, behavioral activation, and affective responses to impending reward and punishment: The BIS/BAS Scales. *Journal of Personality and Social Psychology*, 67 (2), 319-333.
- De Dreu, C.K.W., Nijstad, B.A., & Baas, M. (2011). Behavioral activation links to creativity because of increased cognitive flexibility. *Social Psychological and Personality Science*, 2 (1), 72-80.
- Eddington, K.M., Majestic, C., & Silvia, P.J. (2012). Contrasting regulatory focus and reinforcement sensitivity: A daily diary study of goal pursuit and emotion. *Personality and Individual Differences*, 53, 335-340.
- Elliot, A.J. & Thrash, T. M. (2002). Approach-avoidance motivation in personality: Approach and avoidance temperaments and goals. *Journal of Personality and Social Psychology*, 82 (5), 804-818.

- Elliot, A.J., & McGregor, H. (2001). A 2×2 achievement goal framework. *Journal of Personality and Social Psychology*, 80, 501-519.
- Gable, S.H., Reis, H.T., & Elliot, A.J. (2000). Behavioral activation and inhibition in everyday life. *Journal of Personality and Social Psychology*, 78 (6), 1135-1149.
- Heimpel, S.A., Elliot, A.J., & Wood, J.V. (2006). Basic personality dispositions, self-esteem, and personal goals: An approach-avoidance analysis. *Journal of Personality*, 74 (5), 1293-1320.
- Hulleman, C.S., Schrager, S.M., Bodmann, S.M., & Harackiewicz, J.M. (2010). A meta-analytic review of achievement goal measures: Different labels for the same constructs or different constructs with similar labels? *Psychological Bulletin*, 136 (3), 422-449.
- Izadikhah, Z., Jackson, C.J., & Loxton, N. (2010). An integrative approach to personality: Behavioral approach system, mastery approach orientation and environmental cues in the prediction of work performance. *Personality and Individual Differences*, 48, 590-595.
- Jorm, A.F., Christensen, H., Henderson, A.S., Jacomb, P.A., Korten, A. E., & Rodgers, B. (1998). Using the BIS/BAS scales to measure behavioural inhibition and behavioural activation: Factor structure, validity and norms in a large community sample. *Personality and Individual Differences*, 26(1), 49-58.
- Kaplan, A. & Maehr, M.L. (2007). The contributions and prospects of goal orientation theory. *Educational Psychology Review*, 19, 141-184.
- Knyazev, G.G., Slobodskaya, H.R., & Wilson, G.D. (2004). Comparison of the construct validity of the Gray-Wilson personality questionnaire and the BIS/BAS scales. *Personality and Individual Differences*, 37(8), 1565-1582.
- Leff, J.P. (1973). Culture and the differentiation of emotional states. *The British Journal of Psychiatry*, 123(574), 299-306.
- Maehr, M.L., & Zusho, A. (2009). Achievement goal theory: the past, present and future, In *Handbook of Motivation at School*, Edited By Wentzel, K.R. & Wigfield, A., Tylor and Francis.
- Moreno, J.A., González-Cutre, D., Sicilia, A., & Spray, C.M. (2010). Motivation in the exercise setting: Integrating constructs from the

- approach-avoidance achievement goal framework and self-determination theory. *Psychology of Sport and Exercise*, 11, 542-550.
- Paulick, I., Watermann, R., & Nückles, M. (2013). Achievement goals and school achievement: The transition to different school tracks in secondary school. *Contemporary Educational Psychology*, 38, 75-86.
- Roose, R., Bijttebier, P., Claes, L., & Lilienfeld, S.O. (2011). Psychopathic traits in adolescence: Associations with the revised Reinforcement Sensitivity Theory systems. *Personality and Individual Differences*, 50, 201-205.
- Rose, F.R. & Mossler, D.G. (2013). BIS/BAS and college alcohol use: Motivation, consequences, and attention. *H-SC Journal of Sciences*, 2, 1-11.
- Senko, C. & Hulleman, C.S. (2013). The role of goal attainment expectancies in achievement goal pursuit. *Journal of Educational Psychology*, 105 (2), 504-521.
- Smillie, L.D., Jackson, C.J., & Dalgleish, L.I. (2006). Conceptual distinctions among Carver and White's (1994) BAS scales: A reward-reactivity versus trait impulsivity perspective. *Personality and Individual Differences*, 40(5), 1039-1050.
- Suh, E.M. (2002). Culture, identity consistency, and subjective well-being. *Journal of personality and social psychology*, 83(6), 1378.
- Torrubia, R., Avila, C., Moltó, J., & Caseras, X. (2001). The Sensitivity to Punishment and Sensitivity to Reward Questionnaire (SPSRQ) as a measure of Gray's anxiety and impulsivity dimensions. *Personality and Individual Differences*, 31(6), 837-862.
- Vervoort, L., Wolters, L.H., Hogendoorn, S.M., Haan, E., & Boer, F., et al. (2010). Sensitivity of Gray's Behavioral Inhibition System in clinically anxious and non-anxious children and adolescents. *Personality and Individual Differences*, 48, 629-633.
- Voigt, D.C., Dillard, J.P., Braddock, K.H., Anderson, J.W., & Sopory, P., et al. (2009). Carver and White's (1994) BIS/BAS scales and their relationship to risky health behaviors. *Personality and Individual Differences*, 47, 89-93.